



9 نوامبر 2014



داکتر سید عبدالله کاظم

## یک نظر سنجی تاریخی که موجب شهادت یک دانشمند نامدار کشور شد!

افکار، نظریات و فعالیت های شهید پوهاند سید بهاء الدین مجروح را میتوان در سه بُعد مهم خلاصه کرد: بُعد ادبی، فلسفی و سیاسی. در این روزها شاعر توانای کشور محترم عبدالباری جهانی طی یک مقاله مبسوط که در دو قسمت در پورتال فخیم افغان جرمن آنلین به نشر رسیده است، نظری به بُعد ادبی شهید مجروح انداخته و اشعار او را برای علاقمندان ادب بیشتر معرفی کرده است. آنچه در این مقاله توجه مرا جلب کرد همانا دو مرثیه ای بود که راجع به حادثه المناک شهادت این دانشمند گرانمایه کشور توسط سه شاعر پشتو هر یک محترمان همیشه خلیل، عاصم هشتنغری و حبیب الله رفیع با سوز و حرمان خاص سروده شده است و هر سه به عاملان اینکار نفرین فرستاده اند که چرا شمع عمر همچو یک فرزند رشید و دانشمند افغان را با فیر گلوله خاموش کردند و او را راهی دیار ابدیت ساختند؟ این موضوع مرا بر آن داشت تا به انگیزه های این جنایت که بیشتر ناشی از فعالیت های سیاسی شهید مجروح حین اقامت شان در پاکستان بود، روشنی اندازم. ولی قبل از آن میخواهم با اختصار به معرفی ایشان بپردازم.

مرحوم شهید پوهاند داکتر سید بهاء الدین مجروح پسر ارشد مرد بزرگوار جناب سید شمس الدین مجروح است که در 12 فبروری 1929 در قریه "شینکورگ" ولایت کنر چشم به دنیا گشود، در 1339 به کابل آمد و شامل لیسه استقلال گردید. در 1952 بعد از فراغت از آن لیسه جهت تحصیلات عالی به فرانسه اعزام شد و در رشته "فلسفه و روانشناسی" سند فوق لیسانس را بدست آورد؛ در 1958 به وطن برگشت و در پوهنهی ادبیات پوهنتون کابل به حیث استاد مقرر گردید. پوهاند مجروح بین سالهای 1963 و 64 به سمت والی ولایت کاپیسا و بعداً بین سالهای 1965 تا 68 به حیث آمر کلتوری افغانی در شهر "مونشن" آلمان ایفای وظیفه کرد و در همین مدت موفق به اخذ درجه دکتورا در رشته فلسفه از پوهنتون "مون پلپه" فرانسه گردید. پس از برگشت به وطن از 1969 تا 72 به حیث رئیس پوهنهی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل انتخاب شد. از 1972 تا 73 ریاست انجمن تاریخ را به عهده گرفت و بعداً تا 1980 مجدداً برای تدریس به پوهنهی ادبیات برگشت و به حیث آمر دبیرانتمنت فلسفه ایفای خدمت کرد. پس از کودتای منحوس ثور او مثل سائر هموطنان در سال 1980 به پاکستان مهاجر شد و تا روز شهادت (11 فبروری 1989) در آن کشور سکونت اختیار کرد. در اثر تصادم موتر در سال 1970 یک پای استاد مجروح صدمه دید و از آن به بعد همیشه به کمک عصا به آهستگی قدم می برداشت. یکی از آثار بسیار معروف فلسفی پوهاند مجروح کتابی است بنام "ازدهای خودی" که دارای شهرت بین المللی بوده و از دری به چند زبان مهم جهان ترجمه شده است که بحث براین اثر بی همتا در این مختصر نمی گنجد، زیرا این کتاب چنان عمیق و پرجذبه است که نمیتوان آنرا در چند سطر خلاصه کرد.

پوهاند مجروح در شروع مهاجرت به پاکستان به تأسیس یک مرکز خبرگزاری بنام "مرکز اطلاعات افغان" اقدام کرد و به نشر اخبار جهاد و مطالب مربوط به اوضاع افغانستان پرداخت که بطور منظم همراه به زبان انگلیسی و فرانسوی به نشر میرسید. گفته میشود که ابتدا دفتر مرکزی آن در پاریس بود و پوهاند مجروح با حمایت جبهه نجات ملی (منسوب به حضرت صبغت الله مجددی) به حیث سرپرست نمایندگی آن در پشاور کار میکرد. بعد از مدتی مرکز در پاریس نسبت مشکلات مالی مسدود گردید و اما پوهاند مجروح بطور مستقل کار مرکز را در پشاور ادامه داد. به زودی این مرکز به حیث یک منبع خبری قابل اعتماد مورد توجه رسانه های بین المللی قرار گرفت و آنها اکثر گزارشات خود را به اتکای همین منبع تهیه میکردند.

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

در اواسط 1987 پس از آنکه دهمین دور مذاکرات ژنیوا در مورد خروج قوای شوروی از افغانستان به پایان رسید و در 20 جولای آن سال داکتر نجیب به مسکو سفر کرد و با میخائیل گورباچف دیدار نمود و در این دیدار آگاه شد که شوروی عزم دارد قوای خود را از افغانستان تا یک سال دیگر خارج کند، بحث های داغ در مورد آینده افغانستان و مسئله زعامت در داخل کشور و نیز بین گروه های مختلف مجاهدین در پاکستان در جریان افتاد. در این میان نقش پادشاه سابق اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نیز از طرف یک تعداد و بخصوص از طرف داکتر نجیب مطرح گردید و عکس العمل های جدی را بین گروه های مجاهدین مقیم پاکستان بخصوص تنظیم های افراطی به وجود آورد که البته شرح مزید آن از حوصله این نوشته بدور است.

در همین فضای پر از ابهام و سرنوشت ساز پوهاند مجروح به کمک یک تعداد از همکاران و محققان افغان تصمیم گرفت که یک عملیه نظر سنجی را به راه اندازد تا معلوم نماید که نظر مردم به کدام سو متمایل است. نشریه "افغان نیوز" که توسط ضیا الله نصری (مشهور به خان ضیا خان) - یکی از افغانهای سرشناس در امریکا به نشر میرسید، در شماره 20 ماه سپتمبر 1987 گزارشی را به نشر سپرد که حاوی مختصر نظر سنجی به زبان دری بود و در صفحات بعدی همین شماره متن مکمل آنرا به زبان انگلیسی به چاپ رسانید. در اینجا میخواهم نخست متن این گزارش مختصر را و بعد متن مکمل نتیجه نظر سنجی را تحت عنوان «تائید شاه از طرف افغانها» از انگلیسی به دری ترجمه نموده و به حیث یک سند تاریخی و نیز به حیث یک انگیزه مهم در حادثه شهادت پوهاند مجروح خدمت تقدیم دارم.

### متن گزارش تحت عنوان: «71 فیصد از پناهندگان افغان با رهبری محمد ظاهر شاه موافق اند»:

شروع گزارش: «براساس نتایج یک نظر سنجی که چندی پیش در بین پناهندگان افغان در پاکستان به مورد اجرا در آمد، 71 درصد از کسانی که مورد پرسش قرار گرفته اند، معتقد اند که محمد ظاهر شاه، پادشاه پیشین کشور شان تنها شخصیت مناسبی است که میتواند به عنوان رهبر توانا، صلح و آرامش را به افغانستان بازگشت دهد. این نظر سنجی از سوی پروفیسور سید مجروح (سرپرست مرکز اطلاعات افغان واقع در پشاور پاکستان) و با کمک گروهی از محققان انجام پذیرفت. طی این نظر سنجی 2000 تن پناهنده افغان که در بین آنان 469 نفر از مجاهدین نیز شامل بودند، مورد پرسش قرار گرفتند. روزنامه نگاران و دیپلمات های غربی از مرکز اطلاعات افغان در پشاور به عنوان یک مرجع اطلاعاتی قابل اعتماد و معتبر نام می برند. مسئولیت این مرکز با پروفیسور مجروح استاد پیشین پوهنتون کابل است. پروفیسور مجروح هشت سال قبل از افغانستان فرار کرد و در حال حاضر در میان پناهندگان افغان در پاکستان از احترام خاص برخوردار میباشد.»

گزارش در ادامه می افزاید: «روزنامه ایندی پندنت (لندن) نوشت: کسانی که در نظر سنجی مورد بحث شرکت جستند، متعلق به اقلیت های قومی مختلف افغانستان بوده و از نظر جغرافیائی نمایندگی 23 ولایت از 28 ولایت افغانستان را دارا بودند. شرکت کنندگان در نظر سنجی بطور یک پارچه با رهبری داکتر نجیب الله ابراز مخالفت کرده و طرح آتشی ملی و آتش بس وی را غیر قابل قبول خواندند. همه پناهندگان اعلام کردند که حاضرند پس از خروج نیروهای شوروی از خاک شان و از هم پاشیدن رژیم کمونیستی فعلی به افغانستان باز گردند. فقط 12 درصد از مجموع کسانی که توسط محققان مورد سؤال قرار گرفتند، ابراز داشتند که موافق یک حکومت خالص اسلامی می باشند. فقط نیم درصد از مصاحبه شوندهگان خواستار رهبری افغانستان از سوی یکی از رؤسای مجاهدین پشاور می باشند. حدود 12 درصد از پناهندگان که مورد پرسش قرار گرفتند، اظهار کردند که آماده قبول هر شخصیت به عنوان رهبر میباشند، مشروط بر اینکه این رهبر افغان و مسلمان باشد. همچنین 55 درصد زنان افغان که مورد پرسش قرار گرفتند، از رهبری محمد ظاهر شاه طرفداری کردند.»

احمد رشید در ادامه مقاله نوشت: «پناهندگان افغان از رواج فساد و رشوه در بین مجاهدین شدیداً ناراضی میباشند. بررسی های انجام شده نشان داد که برخلاف ادعای بنیادگرایان مسلمان، پناهندگان افغان اعتقادی به این گونه رهبران ندارند. این نظر سنجی همچنین نشان داد که محمد ظاهر شاه از محبوبیت خاص برخوردار میباشد. نتایج نظر سنجی مذکور برای پادشاه پیشین افغانستان نوعی موفقیت به حساب می آید. داکتر نجیب الله رهبر کنونی افغانستان چندی پیش

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

اعلام کرد که اگر استعفای او از مقام فعلی موجب بازگشت صلح و آرامش به کشورش شود، نامبرده حاضر است بلافاصله دست به این کار بزند. داکتر نجیب الله به خبرنگاران گفت که از بازگشت محمد ظاهر شاه به کابل استقبال خواهد کرد. محمد ظاهر شاه چندی پیش پیشنهاد مربوط به بازگشت به کابل و شرکت در حکومت ائتلافی را که در آن کمونیست ها دارای اکثریت می باشند، رد کرد. « ختم گزارش »

**متن مکمل نظر سنجی** (ترجمه از انگلیسی توسط نویسنده):  
(شروع نظر سنجی)

**عنوان: « پادشاه مورد قبول 71 فیصد افغانها »: (King is OK with Afghans 71%)**

#### مقدمه:

از شروع 1987 بخصوص بعد از آنکه مسکو مبنی بر حل احتمالی معضله افغانستان اشاره کرد و به تاسی از آن رژیم کابل پیشنهاد آتش بس یک جانبه و موضوع "آشتی ملی" را ارائه نمود، مهاجرین افغان و مجاهدین توجه خود را بیشتر به مسائل سیاسی معطوف کردند. در این ارتباط تجمعات بزرگ در کمپ های مهاجرین دائر گردید و اما رهبران سیاسی با انتشار اعلامیه ها با پیشنهاد رژیم کابل مخالفت کردند. سؤال اساسی که به شدت مطرح بود و هنوز است، همانا تشکیل یک مرکز واحد سیاسی قدرت بین گروههای مقاومت بود که آیا این مرکز میتواند یک بدیل برای رژیم کابل و حکومت ملی برای آینده و دست کم برای یک دوره انتقالی محسوب گردد و آیا ممکن است که این بدیل مورد قبول اکثریت مردم افغانستان قرار گیرد؟ ما در مرکز اطلاعات آرزو مند هستیم که بدانیم که اکثریت مهاجرین و مجاهدین چگونه در مورد مشکلات سیاسی می اندیشند، لذا از 15 جنوری الی 17 جولای 1987 مرکز اطلاعات یک سروی عمومی را در کمپ های مختلف مهاجرین در پاکستان انجام داد. این کار در نوع خود اولین اقدام بود و اما ایجا ب میکند که بار دوم و سوم اینکار در داخل افغانستان و در بین افغانهای مهاجر در ایران انجام یابد. یک مشکل دیگر این سروی در رابطه با زنان است، زیرا ما در این مرکز همکاران از طبقه انات نداریم و همکاران مرد ما نمیتوانند در کمپ ها با زنان مصاحبه را انجام دهند. ما امیدواریم اینکار را در مرحله دوم سروی انجام دهیم و اما در این مرحله موفق شدیم با یک تعداد کم زنان بوسیله یک عده زنان تعلیم یافته که با فامیل های خود در شهر پشاور زندگی دارند، مصاحبه کنیم که در اینجا در یک پراگراف خاص بدون آنکه در مجموع مهاجرین شامل گردند، آنرا درج میداریم. با وجود این مشکل باز هم توانستیم نتایج مهم را بدست آوریم که ذیلاً تقدیم میشود:

#### اول - سوالهای مطروحه:

وظیفه سروی تیم مرکز اطلاعات افغان آن بود تا در مورد سؤال های ذیل عکس العمل افغانهای مهاجر را بدانند:

- 1 - آیا میخواهید به افغانستان برگشت کنید؟ در صورت بلی، تحت کدام شرایط؟
- 2 - آیا شما پیشنهاد آتش بس رژیم کابل را قبول دارید و یا آنرا رد می کنید؟
- 3 - آیا شما پالیسی آشتی ملی را که داکتر نجیب ارائه کرده است، قبول دارید و یا رد میکنید؟
- 4 - کی را میخواهید که رهبر ملی افغانستان باشد؟

#### دوم - شیوه (متود) مورد استفاده :

با درک اینکه مردم ما از پرسش های رسمی دوری میجویند، ما کوشیدیم سؤالها را بطور غیررسمی ارائه داریم. خارجی ها، نمایندگان حکومت یا تیم ها از سائز سازمانهای سیاسی یا تحقیقاتی با وسایل، پرسشنامه ها و غیره معمولاً سؤالهای زیاد را طرح کردند و اما جوابهای کم دریافت نمودند و یا اینکه جوابها بیشتر یکسان بودند تا بدانوسیله قوماندانهای پاکستانی مؤظف در کمپ ها و یا نمایندگان با نفوذ سازمانهای سیاس افغانی را راضی و خوش نگهدارند. به منظور جلوگیری از این مشکل به اعضای مؤظف سروی مرکز اطلاعات افغان گفته شد که فقط با خود یک قلم و یک کتابچه داشته و از آن وقتی کار گیرند که شخص مصاحبه شونده با آن مخالفت نکند. در صورت لزوم آنها باید اقارب و دوستان یا اقلاً کسانی را دریابند که در کمپ مقیم بوده و با مصاحبه شونده یکجا زندگی کرده باشند و با آنها یکجا به سراغ مصاحبه شونده رفته و با آنها به قسم دوستانه صحبت کنند و از آنها بشنوند، بدون آنکه سخن شانرا قطع نمایند. مصاحبه بامردم بهتر است بعد از نماز در مساجد خاصاً پس از نماز جمعه و همچنان در اثنای محافل دیگر مثل محافل عروسی،

د پانوی شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

فاتحه و یا گردهمآئی های سازمان یافته سیاسی صورت گیرد. به اعضای تیم گفته شده بود که از پرسش نام اشخاص و یا منسوبیت به سازمانهای مقاومت در سؤالهای خود در ارتباط با رهبری سیاسی جداً اجتناب نمایند. آنها باید راپورهای خود را از مباحثات در کمپ های مهاجرین تدارک نمایند و تا میتوانند با اشخاص بیشتر مصاحبه کنند.

#### سوم - مواد جمع آوری شده:

به تعداد بیش از سه ملیون مهاجر افغان در 249 کمپ در پاکستان زندگی میکنند. تعداد کمپ هائیکه تیم مرکز اطلاعات افغان از آن دیدن کرده اند: در ایالت شمال غربی 54، در بلوچستان 8، در چترال 17 و در وزیرستان جنوبی و شمالی 27 جمعاً 106 کمپ. تعداد کسانیکه مصاحبه کرده اند برطبق پیوند های مختلف شان: مصاحبه شونده های مرد 2287 نفر که از جمله در سروی از اظهارت 2000 نفر استفاده گردیده است. به ارتباط محل اصلی سکونت: تعداد کسانیکه از 23 ولایت از جمله 28 ولایت افغانستان مصاحبه شده اند، از اینقرار میباشند:

از ولایت کابل 26 نفر، از کنر 251 نفر، از قندهار 410 نفر، از کندز 93، از بغلان 224، از بامیان 10، از بلخ 48، از تخار 28، از پروان 55، از جوزجان 156، از اورزگان 7، از فاریاب 34، از سمنگان 46، از فراه 42، از لغمان 25، از غزنی 6، از لوگر 19، از پکتیا 54، از هیلمند 200، از میدان 21، از ننگرهار 214، از زابل 4 و از بدخشان 27 نفر که جمعاً 2000 نفر میشوند.

#### چهارم - نتایج حاصله:

در مورد سه سؤال اول جوابها یک سان بود و همه گفتند که: «ما میخواهیم به وطن برگشت کنیم، در صورتیکه عساکر روسی در افغانستان نباشند و رژیم کمونیستی در کابل از بین برود»، آتش بس رژیم کابل و پالیسی آشتی ملی نجیب را رد میکنیم و حتی یکنفر هم در این مورد نظر دیگر بیان نکرد.

در جواب به سؤال چهارم راجع به رهبری سیاسی جوابها از اینقرار بود:

- پادشاه سابق محمد ظاهر شاه 1433 نفر (71.65%)،

- دولت خالص اسلامی 250 نفر (12.50%)،

- هر شخص مسلمان و افغان 206 نفر (10.30%)،

- یکی از قوماندانهای مقاومت: مسعود، عبدالحق، فرید، حقانی همه بطور کل 35 نفر (1.75%)،

- رهبران سازمانهای سیاسی: پیر گیلانی، مولوی نبی، پروفیسور مجددی، انجنیر حکمتیار، و همه بطور کل 9 نفر (0.45%)،

- اجتناب از ابراز نظر 67 نفر (3.35%)

#### پنجم - یک نمونه از نظریات طبقه اناث:

تعداد زنانیکه مصاحبه شدند: 155 نفر؛

محللات اقامت در افغانستان: از کابل 50 نفر، از قندهار 10 نفر، از کندز 10 نفر، از بغلان 3 نفر، از وردک 2 نفر، از لغمان 1 نفر، از هرات 3 نفر، از ننگرهار 42 نفر، از پکتیا 6 نفر، از لوگر 9 نفر، از بلخ 4 نفر، از غزنی 2 نفر، از کنر 3 نفر، از پروان 9 نفر و از فاریاب 1 نفر جمعاً 155 نفر.

تفکیک به اساس قومیت و زبان: تاجیکها 76 نفر، پشتون ها 73 نفر و اوزبک ها 6 نفر جمعاً 155 نفر

به ارتباط منسوبیت با تنظیمها: محاذ (گیلانی) 36 نفر، جمعیت (ربانی) 49 نفر، جبهه (مجددی) 26 نفر، حزب اسلامی (حکمتیار) 8 نفر، اتحاد اسلامی (سیاف) 6 نفر، حرکت (مولوی نبی) 7 نفر و مستقل 23 نفر.

جوابها:

در باره سه سؤال اول راجع به برگشت به وطن، آتش بس و پالیسی آشتی ملی پیشنهاد کابل عین جواب ها مثل مردها بود؛ در مورد سؤال چهارم رهبری سیاسی جواب زنان از اینقرار بود:

- ظاهر شاه 78 نفر (50.33%)،

- یک رهبر مسلمان و افغان 55 نفر (35.48%)،

د پانو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

- پروفیسور ربانی 8 نفر (5.16%)،
- پیر گیلانی 6 نفر (3.87%)،
- انجنیر حکمتیار 4 نفر (1.58%)،
- مولوی نبی 2 نفر (1.29%) و
- پروفیسور مجددی 2 نفر (1.29%) . (پایان نظر سنجی)

### عکس العمل تنظیمهای افراطی در برابر این نظر سنجی:

نتیجه این سروی چکشی بود که سخت برفرق تنظیمها کوبیده شد، چنانکه اکثریت قاطع مصاحبه شوندهگان به طرفداری پادشاه سابق به حیث رهبر سیاسی آینده افغانستان ابراز نظر کردند (71.65%) و سهم قوماندانهای جهادی به 1.75% و رهبران تنظیمی به 0.45% در پایانتین سطح قرار گرفت و حتی یک تعداد حمایت خود را به هر شخصی که مسلمان و افغان باشد، بیشتر از رهبران تنظیمها بیان نمودند (10.30%).

نتایج این سروی در رسانه های بین المللی بازتاب وسیع یافت و در داخل کشور بین مردم نیز امیدواری برای آینده ایجاد کرد و حتی در بین مهاجرین افغان در پاکستان یک حرکت وسیع به نفع شاه سابق به راه افتاد و تعدادی از مهاجرین افغان در کمپ ها با برگزاری تجمعات بزرگ از آن استقبال کردند. به هر اندازه که امیدواری مردم در زمینه برگشت شاه سابق زیادتر می شد، به همان اندازه احساس ناامیدی و ناکامی رهبران تنظیمی به خصوص سه تنظیم افراطی بیشتر و بیشتر میگردد، تا جائیکه عده ای از این رهبران علناً در برابر شاه سابق موقف جدی گرفتند و در جراید و مصاحبه های رسمی به او تاختند.

جریده "شهادت" ارگان نشراتی حزب اسلامی افغانستان (مربوط به حکمتیار) سالها قبل از این سروی در شماره 37 مورخ 31 اسد 1360 (22 اگست 1981) در سرمقاله خود در صفحه اول شرحی میسوطی در مخالفت با شاه سابق به نشر رسانید که در عنوان آن با خط بسیار درشت نوشت: «ما به پیشنهاد ظاهر شاه مبنی بر بازگشتش به افغانستان به صفت یک جانی دست بسته برای محاکمه موافقه داریم، نه برای قیادت» و در ذیل آن علاوه کرد که: «باند های کمونیستی خلق و پرچم در آغوش ظاهرشاه رشد یافت و ببرک ظاهرشاه را از مترقی ترین شاهان جهان در شرق میدانست.» (این شماره شهادت به حیث سند نزد نویسندگان موجود است).

استاد سیاف نیز در یکی از مصاحبه های خود گفت: «اگر ظاهرشاه می آید، باید با چشمان سرمه کرده بیاید!» این گفته تشبیهی است به یک گوسفند قربانی که در قدیم ها بین بعضی ها معمول بود که قبل از ذبح چشمان گوسفند را سرمه می کشیدند و در دهنش قند می گذاشتند.

علاوئاً استاد برهان الدین ربانی حینیکه در اواخر 1988 به امریکا سفر کرد و در شهر لاس انجلس در حضور جم غفیری از افغانها به ایراد بیانیه پرداخت و به بعضی سؤالات جواب گفت، در مورد شاه سابق چنین ابراز نظر کرد: «پادشاه سابق افغانستان آنقدر یک عنصر بی رنج است که بعد چهل سال حکومت وقتی که ملت خود را دید که در بین خون غرق است، اما او آنقدر یک تماشاچی بی غرض بود که در چندین سال که گذشت حتی به حیث یک افغان روزی نرفت در خانه یک شهید که به روح آن شهید دعا کند من فکر میکنم که دور از انصاف خواهد بود اگر چنین پاداشی را که بعد از چهل سال سلطنت هیچ در غم ملت خود نبوده است، باز بر فرق ملت یک چنین عنصر بی درد و بی احساس را سوار کنیم...» (متن مکمل این بیانیه در جریده "قلم در خدمت جهاد" منتشره جنوب کالیفورنیا به مدیریت صفی الله ثبات، شماره 14 و 15، جنوری 1989 به نشر رسیده که مجله نزد نویسندگان موجود است)

به این اساس دیده میشود که هریک از تنظیمهای افراطی در پشاور نشر سروی یا نظر سنجی منتشره مرکز اطلاعات افغان را که زیر نظر پوهاند مجروح تهیه و به نشر رسیده بود، یک ضربه محکم به موقف خود دانسته و در برابر پوهاند مجروح شدیداً عده گرفتند. با اوج گرفتن هرچه بیشتر این مهمه ها، طاقت و تحمل تنظیمهای مخالف بسر رسید و دیگر تحمل آنرا نداشتند، لذا یکی از آنها به احتمال بسیار در تبنانی با دستگاه مخوف آی اس آی دست به انجام کاری

نامردانه برد و تصمیم به شهادت یک دانشمند نامدار وطن گرفت و همان بود که مامور بی وجدانی را وظیفه داد تا شمع عمر پر بار یک مبارز و یک مجاهد واقعی را با فیر گلوله خاموش کند و او را به مقام رفیع شهادت نایل سازد. شایعات آنوقت می‌رساند که اینکار از طرف دار و دسته حزب اسلامی حکمتیار صورت گرفته است و الله اعلم بالصواب.

پوهاند سید بهاء‌الدین مجروح یگانه شهید راه خدمت به وطن و مردم خود نیست، بلکه مثل او شخصیت‌های دیگر نیز که هریک دارای جایگاه شایسته و عالی ملی بودند، از دست حریصان قدرت به این سرنوشت گرفتار شدند که یاد شان گرامی، روح همه شان شاد و جنت فردوس جایگاه شان بادا! (پایان)

---

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ